

گزارش

غلامرضا مسکنی

اربعین امسال حال و هوای ویژه‌ای داشت. جمعیت میلیونی زائران ایرانی با اشتیاق معنوی و شور همدردی با مردم بی‌گناه غزه، ضمن بزرگداشت شهدای جنگ ۱۲روزه، در پیاده‌روی خود، طعم پیروزی و شکست هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی را با موشک‌های غیرت ایرانی تجربه کردند. استقبال گرم موکب‌داران عراقی از زائران ایرانی پس از حملات ددمنشانه اسرائیل، رنگ و بوی خاصی به این مراسم معنوی بخشید و همزمان پیام صلح، مقاومت و اتحاد انسانی را به جهانیان مخابره کرد. پیاده‌روی اربعین تنها یک سنت و مراسم مذهبی نیست. راه و رسم عاشقی است که اگر در راهش قرارگیری، محال است اسیرش نشوی و هر سال برای عشق بازی دل به راهش نسپاری. امسال هم طلبید و قسمت شد.

غزّه

در اربعین بود

غزه تنها نیست

یکی از مواردی که در پیاده‌روی اربعین جلوه‌گری می‌کند موضوع همبستگی زائران و عراقی‌ها با مردم غزه است که همه شاهد جنایات جنگی رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه هستند. تصاویر شهادی غزه به خصوص فرماندهان حماس در مسیر و پلاکاردهایی که زائران برای حمایت از مردم مظلوم غزه و روی کوله‌پشتی‌های خود چسبانده‌اند، دیده می‌شود. در مسیر به وضوح درمی‌یابیم که غزه تنها نیست. عراقی‌ها و دیگر زائران اربعین که از کشورهای مختلف به اینجا آمده‌اند با شعارها و پلاکاردهایی که همراه خود دارند، انجرا خود را از رژیم منحوس اسرائیل نشان می‌دهند. زائران امسال علاوه بر عهد و پیمانی که با امام حسین (ع) برای ادامه راه او می‌بندند، اقدامات ددمنشانه رژیم صهیونیستی در مقابل مردم بی‌دفاع فلسطین مخصوصاً مردم غزه را محکوم می‌کنند.

از دحام بی سابقه در مرز خسروی

صبح زود، مرز خسروی میزبان انبوهی از زائران ایرانی است؛ زن و مرد، پیر و جوان، حتی کودکان که همگی با کوله‌باری سبک و قلب‌هایی پر از عشق به حضرت اباعبدالله (ع) آماده عبور از مرز و آغاز سفر معنوی اربعین هستند. برخلاف سال‌های گذشته، امسال از دحام و شلوغی در مرز محسوس‌تر و بی‌سابقه است. زائرانی که سال‌های قبل از این مرز وارد عراق شده بودند هم در شگفت هستند. آنها سال‌های قبل به راحتی و حتی بدون توقف عبور می‌کردند اما الان محدود نیم ساعتی فشار در فشار پشت نرده‌هایی آهنی ایستاده‌ایم. شش راهروی جدا شده با داربست‌های فلزی هر کدام به عرض حدود دو متر و طول ۱۰ متر برای خروج از مرز و ورود به سرزمین عراق تعبیه شده است. مرزبانان ایرانی هم به ترتیب درهای ورودی هر راهرو را باز می‌کنند و پس از خروج تعدادی زائر دوباره می‌بندند و سراغ راهروی بعدی می‌روند. شرایط کمی برای خردسالان و سالمندان سخت است و مأموران مرزی با دقت و حساسیت ویژه‌ای به وضعیت کودکان و سالمندان نگاه می‌کنند و برای تسهیل عبور آنان مسیر ویژه‌ای در نظر می‌گیرند.

کرما، باد و بر خور دی انسانی

هوای گرمی طاق‌ت فرسای دارد، باد گرمی صورت‌مان را نوازش می‌کند اما عشق امام حسین (ع) دل‌ها را گرم‌تر و باها را قریب‌تر می‌کند برای این سفر معنوی. برخلاف تصورات قبلی، مأموران عراقی برخوردی بسیار محترمانه و دوستانه با زائران دارند و این را پس از عبور سخت از مرز به وضوح می‌توان دید. برخلاف مرز مهران، رسیدن به محل توقف خودروها برای انتقال مسافران به مراتب راحت‌تر است و خودروهای ون، اتوبوس و سواری آماده انتقال زائران به نجف، کربلا، کاظمین و سامرا هستند. قیمت کرایه‌ها ثابت مانده است که خبر خوبی برای زائران است، هر چند ارزش دینار عراقی نسبت به سال قبل افزایش چشمگیری دارد.

آغاز سفر با شوق و امید

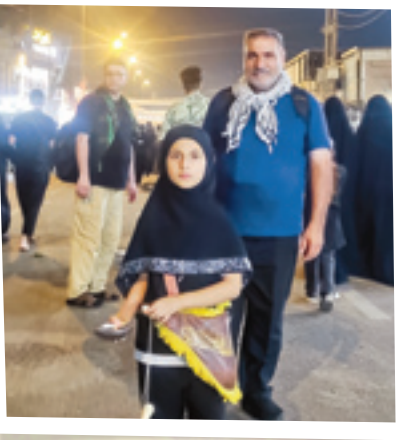
من و همراهانم آقایان رنجبر، یونس و مولایی با چند زائر دیگر سوارون می‌شویم، در میان مسافران دو زوج جوان که برای نخستین بار به این سفر آمده‌اند، بیشتر از همه شوق دارند به نجف برسند. کوله‌های سبک‌شان گواه عشق بی‌حد آنها به حضرت امام حسین (ع) است و آماده سفری معنوی. برای نماز ظهر و عصر در کمی استراحت کنار موکبی توقف می‌کنیم. نماز ظهر و عصر را در چادری گرم و در سایه میهمان‌نوازی عراقی‌ها می‌خوانیم. شربت‌های خنک و میوه‌های تازه در گرمای تابستان، همراه با غذای محلی شبیه آنگوش، طعم سفر را شیرین‌تر می‌کند. جاده‌ها نسبت به سال‌های قبل کمی بهبود یافته است، اما خرابی‌ها و ترافیک‌های نامنظم و عدم رعایت قانون رانندگی از بسوی برخی رانندگان، عبور را دشوار می‌کند. پس از حدود هفت ساعت، بالاخره به نجف می‌رسیم و درخشندگی گنبد طلایی بارگاه امام علی (ع) نگاه‌های ما را به خود جلب می‌کند و خستگی از تن ما رخت برمی‌بندد.

ورود به نجف و شوق اولین زیارت

گرمای هوا در نجف به اوج خود رسیده است، اما شور و اشک شوق زائران که برای اولین بار به این شهر مقدس پا گذاشته‌اند، جلوه دیگری را از عاشقی به نمایش می‌گذارد. پس از استراحت کوتاهی در موکب نزدیک حرم، وارد صحن می‌شویم. در حرم، کوله‌ها را در قسمت امانات تحویل می‌دهیم و به داخل صحن حضرت قاطمه زهرا (س) وارد می‌شویم. گنبد طلایی امام علی (ع) با شکوه تمام در برابر دیدگان مان قرار دارد و با چشمانی اشکبار، از خداوند متعال شکرگزاری می‌کنیم که بار دیگر توفیق زیارت و شرکت در پیاده‌روی اربعین نصیب ما شد. انبوه عاشقان حسینی قابل شمارش نیست و عشق فوران می‌کند. عطر زیارت همه جا پیچیده است و صدای «حیدر حیدر» در فضای حرم معنویت را دوچندان می‌کند. هر کسی به زبانی راز و نیاز می‌کند. عده‌ای مشغول خواندن زیارت‌نامه و نماز هستند و عده‌ای هم در تلاشند خودشان را به ضریح مقدس نزدیک کنند. با اشک در چشمان، در برابر ضریح امام علی (ع) سر تعظیم فرود می‌آوریم و شکرگزار این توفیق الهی می‌شویم. پس از زیارت از امیرالمؤمنین (ع) اندن پیاده‌روی اربعین می‌گیریم.

زیارت مسجد کوفه و آغاز پیاده‌روی

پس از زیارت بارگاه امام اول در نجف، تصمیم برای پیاده‌روی اربعین از طریق العلما راهی کوفه می‌شویم. مسافت نجف تا کوفه زیاد نیست و با خود و خیلی زود می‌رسیم. مسجد کوفه با موکب‌های فراوان پذیرای زائران است. خانه حضرت علی (ع)، چاه آب محل زندگی امامان حسن (ع) و حسین (ع) و زیارت مقبره‌های مسلم بن عقیل، هانی و مختار، لحظاتی معنوی و آرامش‌بخش را برای ما رقم می‌زند. پس از مسجد سهله حرکت‌مان را آغاز می‌کنیم. جمعیت در مسیر حرکت است و گرمای هوا کمی کاهش یافته است. مسیر سبز و سرسبز است و از میان باغات خرما می‌گذرد. موکب‌ها با صدای «هلایکم یا زوار» به استقبال زائران می‌آیند. میهمان‌نوازی‌های‌شان سال‌هاست زبان‌دار عام و خاص است. هر کسی به طریقی می‌خواهد به زائران حسینی خدمت کند و در این پیاده‌روی عظیم سهمی داشته باشد. کودکان خردسال عراقی هم همانند هر سال جلوه‌های خاصی از خود بروز می‌دهند و خاطرات شیرینی برای زائران مخصوصاً ایرانی‌ها به یادگار می‌گذارند. با لیخدنی بر لب، گل می‌پاشند و با دستمال کاغذی، آب و عطر، زائران را پذیرایی می‌کنند.



مراقبت از یک کودال

لیخند این کودکان، گرچه صورت‌شان از گرد و خاک سوخته است، اما خستگی راه را از تن می‌زدايد و عشق به ادامه راه را چندین برابر می‌کند. کودکی با چهره معصومش مشکي پربار دوش و لیوانی در دست دارد و تلاش می‌کند زائران را سیراب کند. وقتی زائری لیوان آبی از دستش می‌گیرد انگار دنیا را به او داده‌اند و لیخند بر لبانش می‌شکند. هر کودکی به طریقی دلبری می‌کند اما در این میان حرکت کودکی مرا سوزی او می‌کشاند. پسر بچهای خردسال کنار یک گودال آب کوچک ایستاده است و از آن مراقبت می‌کند تا مبادا زائری در آن بیفتد و لباس‌هایش خیس شود. این صحنه کوچک از خدمت خالصانه و عشق به امام حسین (ع) دل را جلا می‌دهد.

«شب در مسیر» استراحت و محبت میزبانان عراقی

مسیر سراسر نور است و عشق و همه برای زیارت امام شهید سر از پانمی شناسند و به راه خود ادامه می‌دهند. موکب‌ها نزدیک هم قرار دارند و جلوی هر موکبی تعدادی صندلی است تا زائران خستگی رفع کنند و چایی و شربتی بخورند و برای ادامه مسیر تجدید قوا کنند. با گذشت چند ساعت از آنان عشاء، زائران همچنان به راه خود ادامه می‌دهند. هوای خنک شب، راه را آسان‌تر می‌کند و چند سالی است به خاطر گرمای روز، خیلی‌ها پیاده‌روی در شب را انتخاب می‌کنند. در طول مسیر، عراقی‌ها مرتب از ما دعوت می‌کنند که به خانه‌های‌شان برویم. تا استراحت کنیم، حمام برویم و از اینترنت استفاده کنیم. بعضی از زائران همراهان می‌شوند و برای استراحت به خانه‌های آنها می‌روند اما من و همراهان تصمیم می‌گیریم به پیاده‌روی ادامه دهیم. محبت و میهمان‌نوازی میزبانان، همچون باران رحمت بر دل‌ها می‌نشیند و انسایت را به تمام معنای‌ها می‌کند.

تقرین عشق از کودکی

شب از نیمه گذشته است و من و همراهانم تصمیم می‌گیریم در موکبی استراحت کنیم. موکبی نیم‌ساز در میانه راه نظرمان را جلب می‌کند و تعارف مرد عراقی که می‌گوید حمام و امکانات مهیاست، وارد می‌شویم. حیاط با موکت فرش شده و باد کولر هم می‌وزد و شرایط خوبی را برای خواب فراهم می‌کند. در این سفر هر چه از میهمان‌نوازی و رفتارهای پسندیده عراقی‌ها بگویم کم است اما در این موکب هم درس دیگری از عشق به امام حسین (ع) می‌گیرم. متوجه می‌شوم که شیعیان عراق از کودکی تقرین عشق می‌کنند. ساعت ۳ بامداد که برای حمام بیدار می‌شوم، با صحنه‌ای زیبا روبه‌رو می‌شوم. خودرویی جلوی موکب توقف می‌کند و برای پذیرایی از زائران بیخ آورده است. مرد عراقی کودکان خود را بیدار می‌کند، در این میان دو کودک خردسال حدود سه و چهار ساله هم هستند که آنها هم بیدار می‌شوند. همه به طرف خودرویی بیخ می‌روند. فرزندان بزرگ‌ترش تکه‌های بیخ را برمی‌دارند و به تانکر آب منتقل می‌کنند و دو کودک خردسال دیگر هم با اشتیاق تکه‌های کوچک‌تر را برمی‌دارند و با اینکه تکه‌های بیخ دستان آنها را بی‌حس می‌کند، تلاش می‌کنند بیخ را به تانکر برسانند و شور و شوق عجیبی در چهره‌شان دیده می‌شود. عشق به امام حسین (ع) را اینگونه از کودکی می‌آموزند.

کادوهای ایرانی

پس از نماز صبح از صاحبان موکب تشکر و انجا را به سوی کربلا ترک می‌کنیم. هر چند تعداد زیادی از موکب‌ها در شب هم دایر هستند اما با طلوع آفتاب دوباره محبت‌ها و میهمان‌نوازی‌های عراقی‌ها همچون نور خورشید بر همه می‌تابد و کودکان عراقی هم دست به کار می‌شوند. زائران ایرانی نیز در برابر این محبت‌ها، بی‌پاسخ نمی‌مانند و با هدايا و کادوهای کودکان عراقی را به‌شکل می‌کنند. گل سر، عروسک‌های کوچک و جاسوینچی‌های تزئینی از کوله‌های‌برون می‌آیند و لیخند بر لبان کودکان می‌نشانند. این تعاملات انسانی، پیوند میان دو ملت را محکم‌تر می‌کند و نشان می‌دهد اربعین فقط یک زیارت مذهبی نیست بلکه تجلی همبستگی فرهنگی و انسانی است.

عشق به سرداران شهید و تجلیل از رشادت‌ها

یکی دیگر از نکات قابل توجه، حضور پررنگ تصاویر و یادسرداران شهید در مسیر است. به ویژه سرداران جنگ ۱۲ روزه اخیر میان ایران و اسرائیل. این تصاویر و موکب‌های حشدالشعبی گواهی هستند بر همبستگی عمیق عراقی‌ها با ایرانی‌ها و احترام ویژه آنها نسبت به مبارزه و فداکاری‌های رزمندگان اسلام. عراقی‌ها با حرکات دست خود که همراه با شور و شغف بود نشان می‌دهند که چگونه موشک‌های ایرانی لرزه بر تن رژیم منحوس اسرائیل انداخت. شاید یکی از مواردی که امسال عراقی‌ها به ایرانی‌ها توجه بیشتری دارند، موشک‌های خیبر شکن، ذوالفقار و سجیل بود که به لانه عنکبوت شلیک شد.

«رسیدن به کربلا» لحظه دیدار معشوق

کربلا نزدیک است و حکایت از آن دارد آخرین عمودها را طی می‌کنیم. وقتی به اولین بلوار ورودی کربلا می‌رسیم، اشک شوق بر چهره‌های زائران جاری می‌شود. زائران حال و هوای خاصی دارند و همه زیر لب زمزمه‌هایی می‌کنند. کوله‌ها بر پشت و دست‌ها به آسمان و نگاه‌ها به گنبد طلایی حرم است. کربلا میزبان میلیون‌ها زائر است و گروه گروه بر تعداد آنها افزوده می‌شود. موکب‌ها همه جا به چشم می‌خورند و آماده پذیرایی از زائران هستند و با این انبوه جمعیت کم و کاستی دیده نمی‌شود. گنبد طلایی حرم امام حسین (ع) با پرچم سیاه، جلوه‌ای از جلال و شکوه دارد و خستگی راه ناگهان از تن‌ها بیرون می‌رود. زمزمه‌های عاشقانه «یا حسین» همه جا می‌پیچد. دست‌ها به سوی آسمان بلند می‌شود و صدای حق‌حق گرچه فضای معنوی بی‌ظنیری ایجاد می‌کند.

همه مشتاقند ابتدا سراغ حضرت عباس (ع) بروند و سپس با اجازه سردار از بین‌الحرمین وارد حرم شهدان شوند و ما هم همین گونه عمل می‌کنیم. حرم حضرت عباس (ع) مملو از جمعیت است و خادمان هم به زائران در تسهیل زیارت کمک می‌کنند. زیارت، نماز و راز و نیاز و یادآوری التماس دعای دوستان، بستگان و سپس از بین‌الحرمین وارد حرم امام حسین (ع) می‌شویم. عاشقان حسینی برای زیارت سر از پانمی شناسند. تعدادی در تلاش برای زیارت ضریح هستند اما اغلب زائران داخل صحنه و اطراف آن مشغول راز و نیاز هستند. اشک‌ها جاری هستند و غبار را از صورت‌های به ظاهر خسته پاک می‌کنند و شور و حال دیگری به زائران می‌دهند. همه سسبک شده‌اند و بار سنگینی از روی دوش‌شان برداشته شده و خوشحال از اینکه امام سوم‌شان آنها را طلبیده و افتخار زیارت در این ایام نصیب‌شان شده است. دل‌کنند از این صحن و سرا سخت است اما باید پس از به جا آوردن آداب زیارت، نماز و عبادت بیرون رفت تا دیگران هم فرصت زیارت پیدا کنند. از امام حسین (ع) می‌خواهیم دوباره زیارتش نصیب‌مان شود و با پای پیاده به بارگاهش برویم. با دست روی سینه و چشمانی اشکبار از صحن خارج می‌شویم.

نمایش عشق عراقی‌ها به ایران

در کوچه و خیابان‌های منتهی به حرم، خادمان حسینی به وفور دیده می‌شوند که تلاش می‌کنند نظم و انضباط را برقرار و به زائران خدمت کنند. یکی از خادمان جوان عراقی وقتی متوجه می‌شود ایرانی هستیم، از دوستانش جدا می‌شود و نزدیک‌مان می‌آید و دستی به سر و صورت‌مان می‌کشد. شکلاتی از جیبش بیرون می‌آورد و به من می‌دهد و با افتخار چغی‌هایش را کنار می‌زند. روی سینه‌اش پیکسل تصاویر سردار سلیمانی و شهید ابومهندس است. عقق همبستگی شیعیان عراقی با ایرانی‌ها را در این حرکت متوجه می‌شویم. این لحظه، لحظه‌ای سرشار از احساس و احترام برای من و همراهانم است. پیشانی‌اش را می‌بوسم و از طریق خادم ایرانی که عربی بلد است، تشکر و قدر دانی می‌کنم.

زیارت نهایی و پایان سفر

حالا وقت خداحافظی است و از دور به حرم امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) احترام می‌گذاریم. دل‌های‌مان را با عشق آنان تازه می‌کنیم، سپس آرام و با دلی سبک، راهی وطن می‌شویم، هر چند قلب‌ها همچنان در کربلا و نجف ماندگار است.

